

# نویافته‌ای از بردشانده

## علیرضا عسکری چاوردی

### مقدمه

مجموعه مساحت محوطه برد نشانده در حدود ۷۰۰ در ۲۵۰ متر است که از سه بخش به نام‌های تختگاه، کاخ و شهر تشکیل شده است (۹). تختگاه شامل دو بخش بالا و پایین است که این دو قسمت در طی سه مرحله ایجاد شده است (۱۰) (تصویر ۲). تختگاه بالایی در دو مرحله ساخته شده و تختگاه پایین در مرحله سوم به این مجموعه افزوده شده است (۱۱). نخستین مرحله تختگاه بالا، در واقع قدیمی‌ترین و کوچکترین بخش تختگاه بوده است که در مرحله دوم با اضافه شدن دو رشته پلکان در بخش شمال غربی وسیع‌تر شده است (۱۲). در سومین مرحله، با هدف توسعه تختگاه پایین در همان راستای شمال غربی، یک رشته پلکان دیگر به این بخش الحاق گردیده است (۱۳). در سطح تختگاه بالا، سکویی وجود دارد که در جریان هر سه مرحله گسترش تختگاه، آن سکو توسعه یافته است (۱۴). آثار بدست آمده از این سکو و اطراف آن، دوره‌های استفاده از تختگاه بالا را از دوره هخامنشی تا ساسانی مورد تایید قرار می‌دهد (۱۵). روی تختگاه پایین نیز، یک معبد چهارستونی وجود داشته است که حفر بر اساس سکه‌های بدست آمده از این قسمت، آخرین مرحله استفاده از آن را سده دوم میلادی می‌داند (۱۶). تختگاه برد نشانده در حدود میانه سده چهارم میلادی در زمان شاپور دوم برای همیشه متروک می‌شود (۱۷).

### قطعه پای سنگی

این قطعه به صورت یک جفت پا روی پایه چهارگوش سنگی است. این اثر در گوشه شمال شرقی تختگاه بالا، بین اولین و دومین برجستگی پشتبند تختگاه یافت شد (تصویر ۲). رنگ این قطعه خاکستری و جنس آن از سنگ آهک است (تصویر ۳). پایه سنگی موجود در زیر این جفت پا به صورت مکعب مستطیلی تراشیده شده است و اثر تراش در سطح آن مشهود است. ضخامت این پایه ۵ سانتی متر و به شکل یک چهارضلعی نامنظم، اندازه ضلع نمای آن ۳۲، ضلع پشت ۲۶ و اندازه هر کدام از دو ضلع مجاور آن ۲۱ سانتی متر است. در بخش مرکزی این پایه سنگی، سوراخی به قطر ۳ سانتی متر کنده شده است. فاصله این سوراخ نسبت به پای چپ ۳/۵ و نسبت به پای راست ۴ سانتی متر است. در واقع پای چپ یک سانتی متر کمتر از پای

نگارنده در یکی از سفرهایی که به همت هسته علمی دانشجویان باستان شناسی دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۷۷ به استان خوزستان انجام شد، قطعه پای سنگی مجسمه ای را در محوطه برد نشانده یافت. در همان زمان در قلعه شوش، این اثر در حضور آقای میرعابدین کابلی و خانم فخری السادات دانشجوپرور و همچنین دانشجویان گروه باستان شناسی دانشگاه تهران به مسئولان میراث فرهنگی خوزستان تحویل داده شد. پس از بازگشت به تهران، به شرح و توصیف این اثر نویافته پرداختم. امروز نزدیک به پنج سال از تاریخ انجام آن سفر می‌گذرد و بسیاری از دوستان که در معیت آنها بودیم در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در حال تحصیل هستند به طور قطع و یقین برای همه آن دانشجویان به ویژه دوستان هسته علمی یادآوری خاطره این سفر در چارچوب مقاله‌ای هر چند مختصر جالب خواهد بود. بنابراین این مقاله به تمامی همراهان آن سفر بویژه یاوران هسته علمی دانشجویان باستان شناسی دانشگاه تهران (در سالهای ۷۸-۱۳۷۴) که مدیون تلاش‌های آنها در پیشبرد باستان شناسی کشور هستیم - نظیر آقایان: شهرام زارع، بهرام آجورلو، محسن زیدی، محمدتقی عطایی، روح الله محمدی، کریم عزیزاده، نوذر حیدری، علیرضا جعفری زند، پدram جم و مسوولین جهاد دانشگاهی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: حسین وفاپور و یدنا یزدانی - تقدیم می‌شود.

### برد نشانده

برد نشانده (۱)، در میان کوه‌های بختیاری به فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شرق مسجد سلیمان در استان خوزستان واقع شده است (۲) (تصویر ۱). دموورگان در سال ۱۸۹۶ میلادی در سفرنامه خود از این محل نام برده است (۳) و در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۳۰ سرارول اشتاین، (۴) ماکسیم سیرو (۵) آندره گدار (۶) و رمان گیرشمن (۷) از این محوطه بازدید نموده‌اند و هر کدام گزارشی ارائه داده‌اند. ستاد نیروی هوایی ارتش در سال ۱۹۶۶ م. این محوطه را عکسبرداری می‌نماید و رمان گیرشمن در سالهای ۶۶-۱۹۶۴ این محل را کوش و نتایج مطالعات خود را در سال ۱۹۷۶ در دو جلد کتاب به چاپ رساند (۸)

سبک خاص «چپه نمای» در هنر دوره اشکانی است و در این حالت، دست راست مجسمه در حالی به طرف خارج از بدن چرخیده است که دست چپ نیز روی قبضه شمشیری قرار می‌گرفته و یا اینکه گلی را در دست داشته و یا در مجسمه‌های زنان، چین لباس را نگه می‌داشته‌اند. (۱۸)

با توجه به اینکه غالب قسمت‌های مختلف تندیس‌ها در محوطه برد نشانده نظیر تنه‌ها، سرها و یا ساق‌ها از محدوده شمال غربی تختگاه بالایی بدست آمده است (۱۹) (تصویر ۲)، به نظر می‌رسد که این پیکره‌ها متعلق به دومین مرحله توسعه تختگاه برد نشانده در سده دوم میلادی بوده‌اند (۲۰) که پس از فرو غلتیدن و برخورد با سنگ‌های این قسمت شکسته شده‌اند (۲۱) (تصویر ۴). همچنین شیوه نمایش تندیس‌ها در نمای روبرو روی سکوها سنگی در تختگاه دوره اشکانی در مسجد سلیمان به دست آمده است (۲۲) (تصویر ۵). خارج از این دو محل، این نوع شیوه نمایش می‌تواند با نقوش صخره‌های تنگ سروک مورد مقایسه قرار گیرد (۲۳) (تصاویر ۶، ۷). در نقش برجسته‌های تنگ سروک، نقش برجسته ANA (جلوس پادشاه بر تخت سلطنت) و نقش BS (دو نیایشگر ایستاده) در هر دو نقش شکل و شیوه قرارگیری پای نیایشگران و جنگاوران با شیوه نمایش پیکره‌های برد نشانده شباهت نزدیکی دارد (۲۴). این نوع شیوه نمایش تندیس‌ها به سبک نمای تمام رخ از روبرو با دو پای موازی روی یک پایه سنگی را می‌توان بیش از هر مکانی دیگر در مجسمه‌های بدست آمده از شهر هترا مشاهده کرد (۲۵) (تصویر ۸).

سبک نمایش تمام رخ پیکره‌ها از نمای روبرو به عقیده روستوفتسوف از شاخصه‌های اساسی هنر دوره اشکانی بوده است که این سبک همزمان با سایر تحولات و نوآوری‌های انجام شده در سده یکم میلادی، در حوزه سیاسی فرهنگی حکومت اشکانی در ناحیه بین‌النهرین و به ویژه در تیسفون شکل گرفته است و در دو سده پایانی فرمانروایی دودمان اشکانی توسعه یافته است که این موضوع در نمایش تندیس‌ها در هترا، دوراورپوس و پالمیرا به خوبی اجرا شده است (۲۶). در ایران نیز، این سبک در طول سده دوم میلادی در نقوش صخره‌های تنگ سروک و پیکره‌های برد نشانده بکار گرفته شده است (۲۷).

با توجه به این موضوع، سبک هنر تمام رخ نمای به این شیوه در هنر دوره اشکانی از سده یکم و دوم میلادی در بین‌النهرین پدید آمده است و در سده دوم میلادی در ایران در نمایش پیکره‌های برد نشانده، مسجد سلیمان و نقوش برجسته تنگ سروک (۲۸) (۱۶۵-۱۷۰ م) رواج یافته است. بنابراین می‌توان تاریخ نیمه دوم سده دوم میلادی را برای این قطعه پای سنگی یافت شده، پیشنهاد کرد.

#### شرح تصاویر

تصویر ۱- موقعیت برد نشانده در استان خوزستان

تصویر ۲- مجموعه تختگاه برد نشانده

تصویر ۳- قطعه پای سنگی یافت شده (عکس و طرح)

تصویر ۴- قطعات یافت شده از پای پیکره‌ها در تختگاه برد نشانده و موقعیت قطعه نو یافته

تصویر ۵- قطعات یافت شده از پای پیکره‌ها. تختگاه دوره اشکانی مسجد سلیمان

تصویر ۶- نقوش صخره‌های تنگ سروک - صخره بزرگ

تصویر ۷- نقش دو نیایشگر - تنگ سروک

تصویر ۸- پیکره‌های بدست آمده از شهر هترا

راست، نسبت به این سوراخ فاصله دارد. چگونگی قرارگیری فاصله این دو پا نسبت به یکدیگر روی پایه سنگی به این صورت است که در بخش جلو بین دو نوک پا ۲۰، در وسط بین دو کف پا ۱۱/۵ و بین دو پاشنه ۱۱ سانتی‌متر فاصله است. در حاشیه خارجی پا و در بخش لبه پایه سنگی نیز، فاصله هر دو پا از لبه پایه در قسمت نوک پا ۳، در وسط یک و در قسمت پاشنه ۲ سانتی‌متر است. این جفت پا در نمای روبرو، روی این پایه سنگی قرار دارند و در یک اندازه مشابه هم تراشیده شده‌اند. کفشی این جفت پا را پوشش می‌دهد که از نوع کفش‌های بنددار بوده است و تعداد بندهای آن هفت رج است. حداکثر ارتفاع باقی مانده از این کفش در بخش پاشنه ۸ سانتی‌متر است که همراه با ضخامت پایه سنگی، ارتفاع آن ۱۳ سانتی‌متر است. هفت رج بند در هر کدام از این کفش‌ها با استفاده از یک رشته میانی به هم متصل شده است که با استفاده از این رشته، انتهای شلوار را روی کفش محکم می‌بسته‌اند (تصویر ۳). همچنین یک ترک خوردگی به صورت یک برش افقی در بخش پاشنه و هم در حاشیه بیرونی پایه سنگی مشاهده می‌شود. همچنین در سطحی به اندازه ۸ در ۴ سانتی‌متر، پنج میلی‌متر از ضخامت سطح پایه سنگی بین دو پاشنه پا تراشیده شده است. بنابراین ضخامت پایه سنگی در این قسمت نیم سانتی‌متر کمتر از سایر قسمت‌ها است. در بخش جلو، نوک هر دو کفش در اثر فرسایش پوسیده شده است.

جنس، رنگ و کار انجام شده روی این اثر به شکلی یکسان و منسجم به نظر می‌رسد اما ترک خوردگی به صورت خط شکافی افقی در بخش پاشنه و در حاشیه لبه پایه سنگی وجود دارد که می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. این موضوع به صورت احتمالی می‌تواند در ارتباط با سوراخ موجود در مرکز پایه و یا هوازگی و پوسیدگی قسمت جلو پا و از طرفی استحکام و انسجام پاشنه و حداکثر فشار بدن پیکره بر پاشنه پا، به این شکل مطرح شود که پیکره‌ای به صورت ایستاده در کنار دیواری روی یک سکو در حالی به نمایش گذاشته شده است که دست راست خود را بالا برده و پشت به دیوار قرار داشته است. در این حالت قسمت پشت آن کمتر در معرض هوای آزاد قرار می‌گرفته است. موضوع فرسایش بخش جلو پا در سایر پیکره‌های سنگی تختگاه برد نشانده نیز مشاهده می‌شود که می‌تواند در ارتباط با شیوه نمایش این پیکره‌ها باشد (تصویر ۴).

همچنین این مجسمه سنگی می‌توانسته است با استفاده از سوراخی که در مرکز پایه سنگی کنده شده بود، در محل نمایش به سکوی زیر پایه متصل گردد. هر چند یک چنین سوراخی در سایر پایه‌های سنگی برد نشانده که این پایه می‌تواند مشابه آنها باشد وجود ندارد، اما در این پایه فاصله بین هر کدام از پاها نسبت به سوراخ وسط، شیوه قرارگیری بدن پیکره را روی پایه نشان می‌دهد. در نمایش این پیکره احتمالاً دست راست به طرف بالا چرخیده زیرا تنها در این حالت فشار طرف راست بدن در حالت طبیعی و زنده به پای چپ انتقال می‌یابد. این موضوع در این مجسمه به خوبی اجرا شده است و پیکر تراش با توجه و آگاهی به چگونگی شیوه نمایش به منظور ایجاد توازن و تعادل در حالت ایستاده، فشار بدن را بیشتر متوجه پای چپ ساخته است. به همین دلیل فاصله پای چپ نسبت به سوراخ مرکزی یک سانتی‌متر کمتر از فاصله پای راست نسبت به این سوراخ است. نزدیک تر بودن پای چپ به این سوراخ و اتصال پایه از طریق این سوراخ روی سکوی نمایش به منظور ایجاد تعادل فشار در حالت ایستایی بوده است. این شیوه نمایش در سایر تندیس‌های بدست آمده از این محل، تختگاه مسجد سلیمان و در تندیس‌های شهر هترا (الحضرا) وجود دارد که به عقیده حضار، این شیوه

هستند و همین امر می‌تواند که بپذیریم تمام خرابیهایی که روی این تختگاه (بردنشانه) صورت گرفته متعلق به زمان این پادشاه است. بر همین اساس حفر تاریخ رها شدن این محل را در حدود میانه سده چهارم میلادی می‌دانند. نک:

*Ibid.* pp. Vol.1, 111-112, 133-134

18- Ghirshman "Bard-e Nechandeh" *syria*. Vol, XLII, 1965, pp. 308-310.

19- *Ibid.* p. 302.

20- *Ibid*

21- *Ibid.* pp. 309-310, *Ghirshman Terrasses sacree ...*, vol. 2:

لوح سی و ششم تصاویر شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و لوح ۳ گراورهای بردنشانه شماره‌های ۲۴، ۲۵، ۲۳ و ۱۵ و نک: vol. 1, PP. 21-25

22- Ghirshman, *Terrasses ...*, vol. 1, p. 122, vol. 2. GMis 43-Ech 1: 4 voir 5.

23- Henning, w.B. "The monuments and inscriptions of Tang - i sarvak" *Asia Major* II, 1952, pp 151-178.

24- *Ibid.* pp. 163-178.

هیننگ آثار تنگ سروک را به چهار قسمت A, B, C, D تقسیم کرده و برای هر کدام از آنها تقسیم‌هایی جزئی به تناسب نقش همانند And, Ana, An ... و تعدادی اعداد شمارشی برای هر کدام در نظر گرفته است. تاریخ گذاری این نقش‌ها با توجه به دو کتیبه شماره یک (نقش Ana) و کتیبه شماره ۶ (نقش Bs) انجام شده است. هیننگ تاریخی مطابق با جلوس ارد چهارم (۱۶۵-۱۷۰ م) برای این نقش‌ها تعیین می‌کند و علاوه بر این وی تاریخی نزدیک به پایان دوره اشکانی نیز از جهت سبک نقوش برجسته و نوع سنگتراشی برای نقش برجسته‌های تنگ سروک پیشنهاد می‌نماید. بدین ترتیب که این سبک بیشتر به سبک استل خواصک شوش (۲۱۵ میلادی) شباهت دارد. نک: *Ibid*, 176

۲۵- شهر هترا در ۱۱۰ کیلومتری جنوب غربی موصل قرار دارد. این شهر از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ کاوش شد که حاصل این تلاش‌های علمی، کشف آثار، ابنیه و مجسمه‌های فراوانی است که از این شهر بدست آمد. شیوه قرار گیری مجسمه‌ها به حالت ایستاده به سبک تمام رخ روی سکو، ویژگی خاص هنر هترا است. در این نوع هنر که در درجه نخست خدمت به اهداف دینی و مذهبی مطرح است، اهتمام زیادی به مسائل هنری و زیبایی نشده و تنها به نشان دادن قامت شخص و سیمای او و گاه نیز به لباس‌هایی که پوشیده اکتفا شده است. لباس و پوشاک مجسمه‌های هترا بسیار به هم نزدیک و از حیث شکل و وضعیت ویژه شبیه به هم هستند و تقریباً چهره تمام این مجسمه‌ها، چهره شخص خاصی است که با چهره‌های متفاوت ساخته شده است، نک.

فواد سفر، محمد علی مصطفی، *هترا (الحضرة)*، ترجمه نادر کریمی‌ان سردستی، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۸۸-۹۹.

۲۶- سلومبرژه، دانیل. «هنر پارسی». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، جلد سوم، قسمت هفتم، بخش بیست و هشتم، صص ۵۴۵-۵۴۸.

۲۷- همان

28- Henning. *Op. cit.* p. 176.

پی نوشت‌ها:

۱- بردنشانه، در اصطلاح محلی بختیاری به معنای «سنگ نشانه» است. در قدیم استفاده از علائم راهنما بسته به محیط می‌توانست درخت، بنا، کوه و یا هر چیز دیگری باشد. در این محل نیز با توجه به کوهستانی بودن محوطه و ارتضاع این قسمت نسبت به محیط اطراف، یکی از ستونهای سنگی معبد تختگاه پایین را در کنار یک آبگیر روی تختگاه بردنشانه نصب کرده‌اند تا نشانه‌ای جهت راهنمایی عابران باشد. نک: اقتداری، احمد خوزستان، کهگیلویه، ممسنی، (دیار شهر یاران) جلد ۳، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹، ص ۳۱ و همچنین نک، گلدار، آنلدره. بردنشانه، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، جلد دوم، تهران، آستان قدس، ۱۳۶۶، ص ۳۳۵.

۲- امام شوشتری، محمدعلی. *تاریخ جغرافیایی خوزستان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۱، ص ۲۱۲ و همچنین *جغرافیای کامل ایران*، جلد اول، به کوشش دبیران گروه‌های آموزش جغرافیای استانها، تهران، نشر ایران، ۱۳۶۶، ص ۷۰۰-۷۰۹.

3- Morgan, De, J. *Mission scientifique en perse*. vol, IV. paris 1896. cited by, Ghirshman. "Masdjid-e solaiman" *syria*, vol. XXVII, 1950, pp.205-222.

4- Stein A. *old route of western Iran*. London 1940, pp, 160-161.

5- Siroux, M. "Masdjid-e solaiman" *Athar Iran*, vol III, 1938. P. 160.

6- Godard, A. "Bard Neshandeh" *Athar - e Iran*. vol IV. 1949 pp, 153-162.

7- Ghirshman, R. "Masdjid-e solaiman" *.syria*. vol XXVII. 1950, pp, 205-220.

8- Ghirshman, R. *Terrasses sacrees de Bard-e Nechandeh et Masjid-i solaiman*, 2 vols. MDAI, paris. 1976.

9- *Ibid.* pp 7-8.

10- *Ibid*

11- *Ibid.* pp. 14-15

12- *Ibid.* p. 19

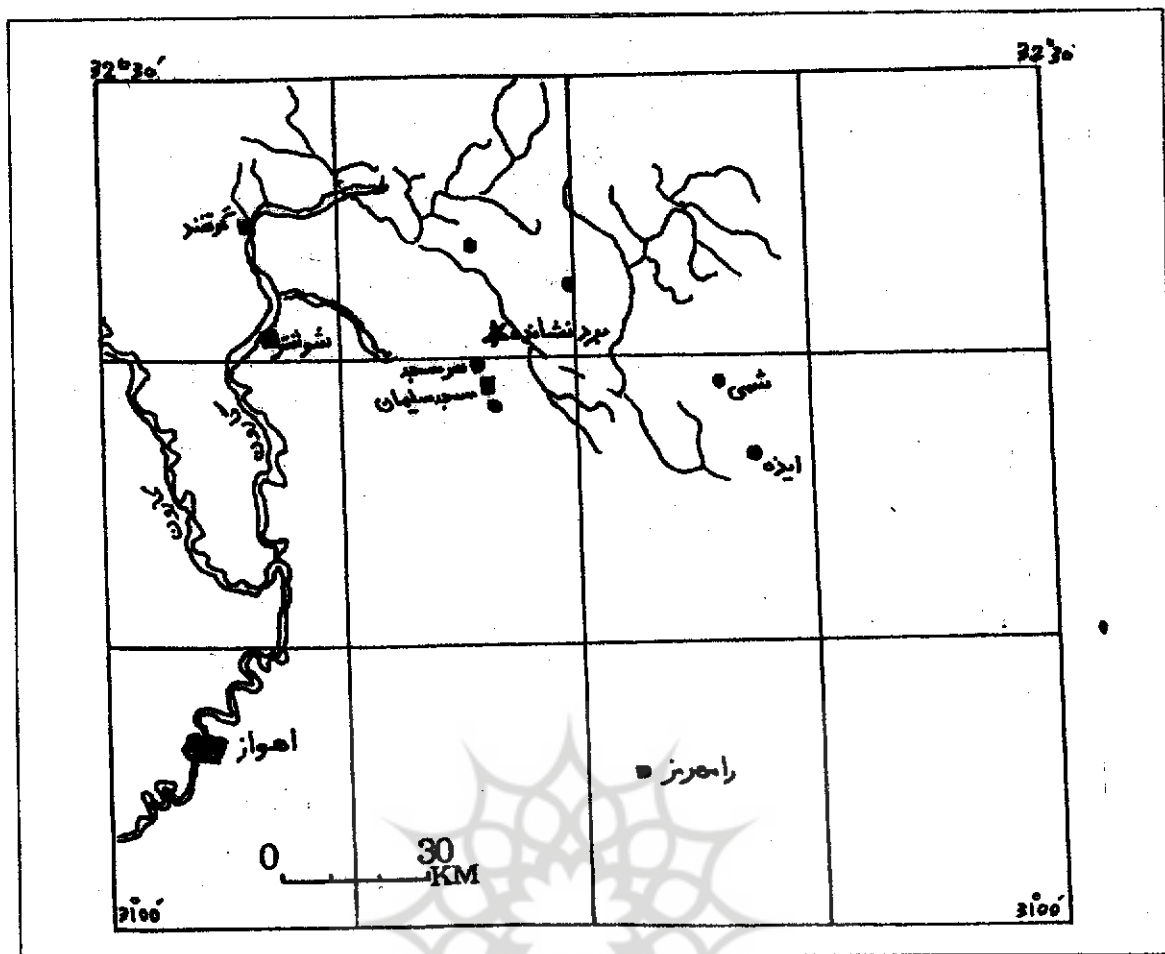
13- *Ibid.* pp 40-41

14- *Ibid.* pp. 26-27

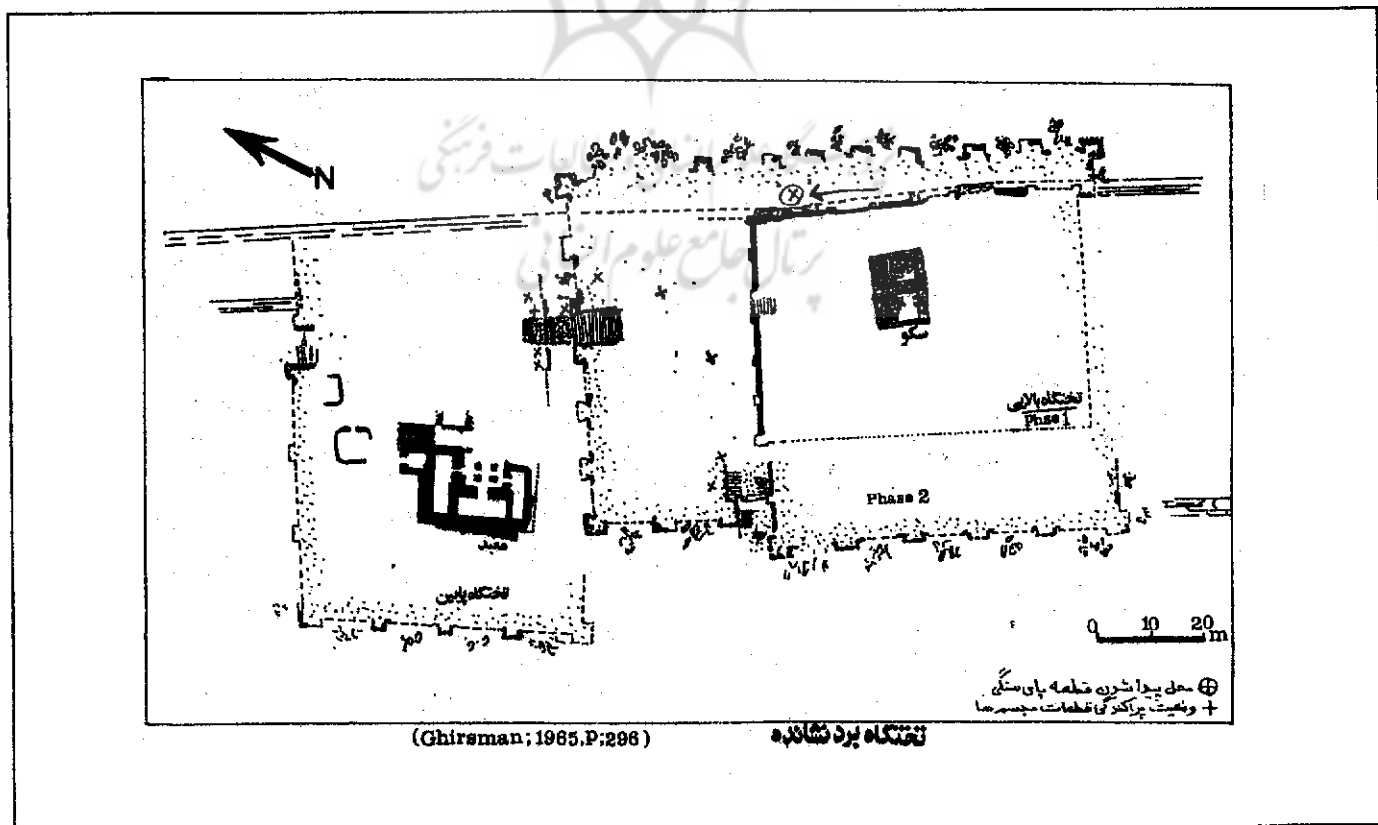
۱۵- از این قسمت یک ورقه طلای بریده شده یک بازوبند مفرغی دهانه باز و یک انگشتری روی سکو و همچنین سفالها و اشیاء مفرغی و ده سکه در هم نقره‌ای، متعلق به پیش از دوره هخامنشی تا زمان پیروزی پارتها بدست آمد و از طرفی دو انگشتر مفرغی دیگر، همراه با یک نقش مرکزی بین دو بال، می‌تواند سلسله مراتب تاریخی مورد استفاده از این قسمت را در دوره ساسانی روشن نماید. نک: Ghirshman, *op. cit.* vol. I, pp. 28-38, 232-233

۱۶- روی پله بالایی اتاق شماره یک این معبد، در پی این پله، یک مخزن امانی پیدا شد که شامل چهار هزار و هفتصد و سی و پنج سکه کوچک مفرغی الیمیایی، شصت و پنج سه درهمی، چهار سکه سیاه پارتی و یک سکه مفرغی شاه کوشان، کانیسکا بود. این سکه‌ها، امکان تاریخ گذاری این معبد را در سده دوم میلادی فراهم کرد. نک: *Ibid.* vol. 1, pp. 39-51, 240-241

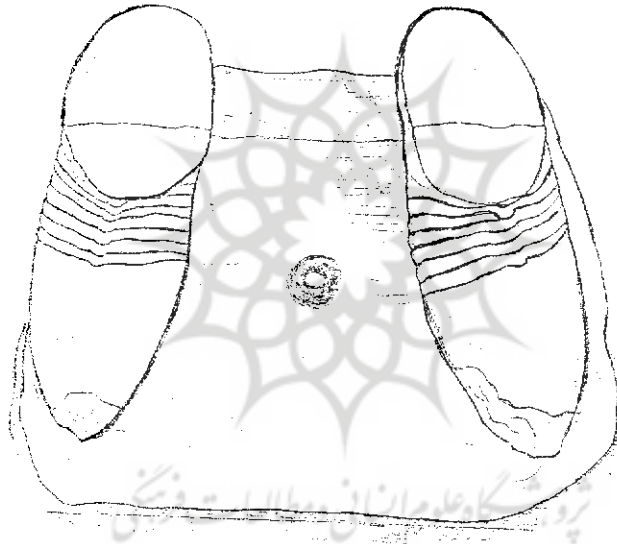
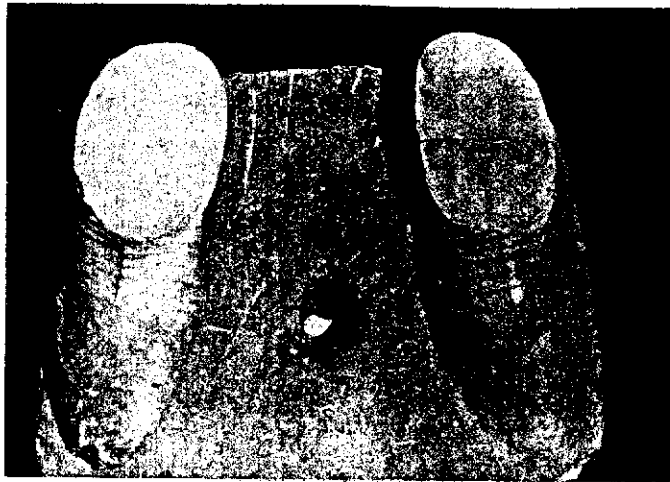
۱۷- متاخرترین سکه‌هایی که در معابد مسجد سلیمان بدست آمد، از شاپور دوم



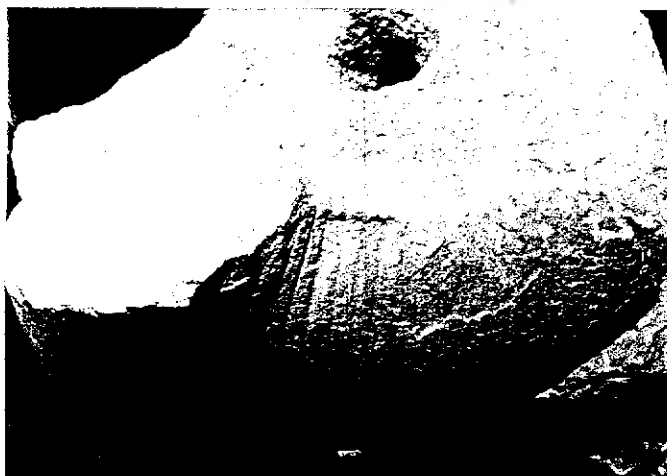
تصویر ۱. موقعیت برد نشانه در استان خوزستان

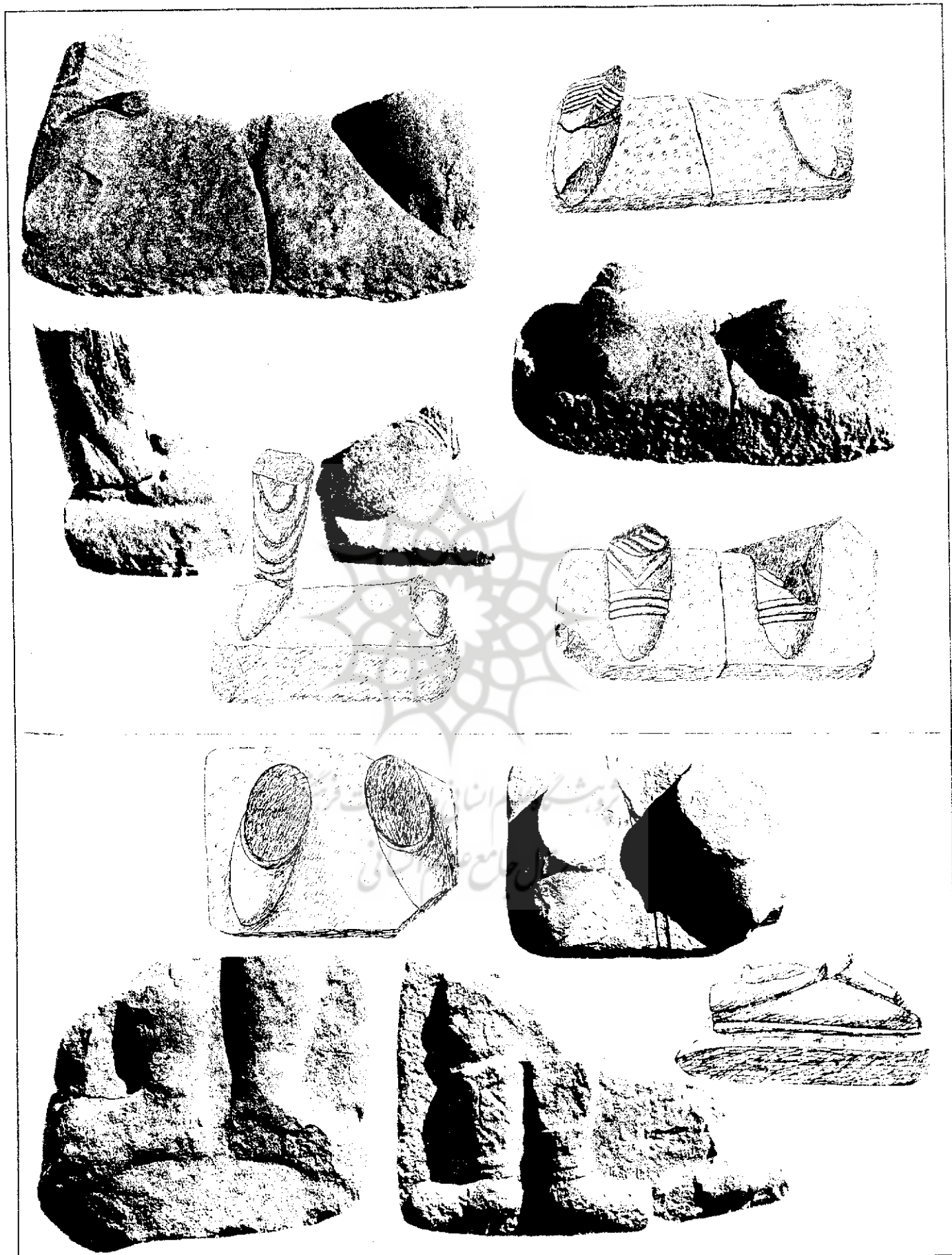


تصویر ۲. مجموعه تختگاه برد نشانه



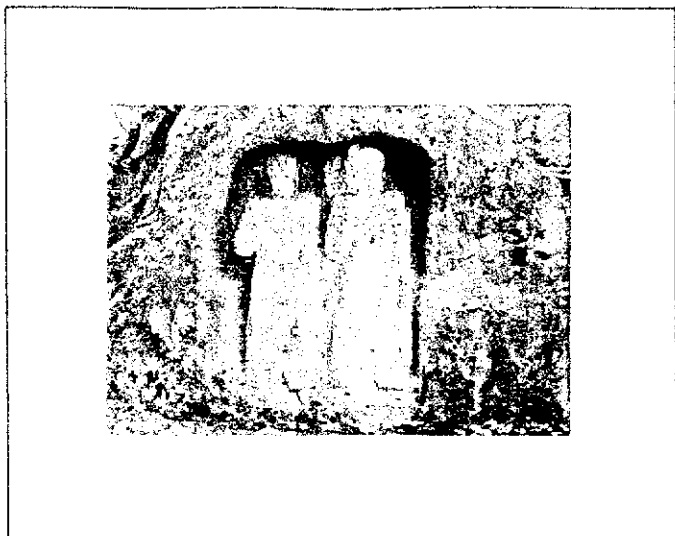
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





تصویر ۵. قطعات یافت شده از پای پیکره ها در تختگاه دوره اشکانی مسجد سلیمان

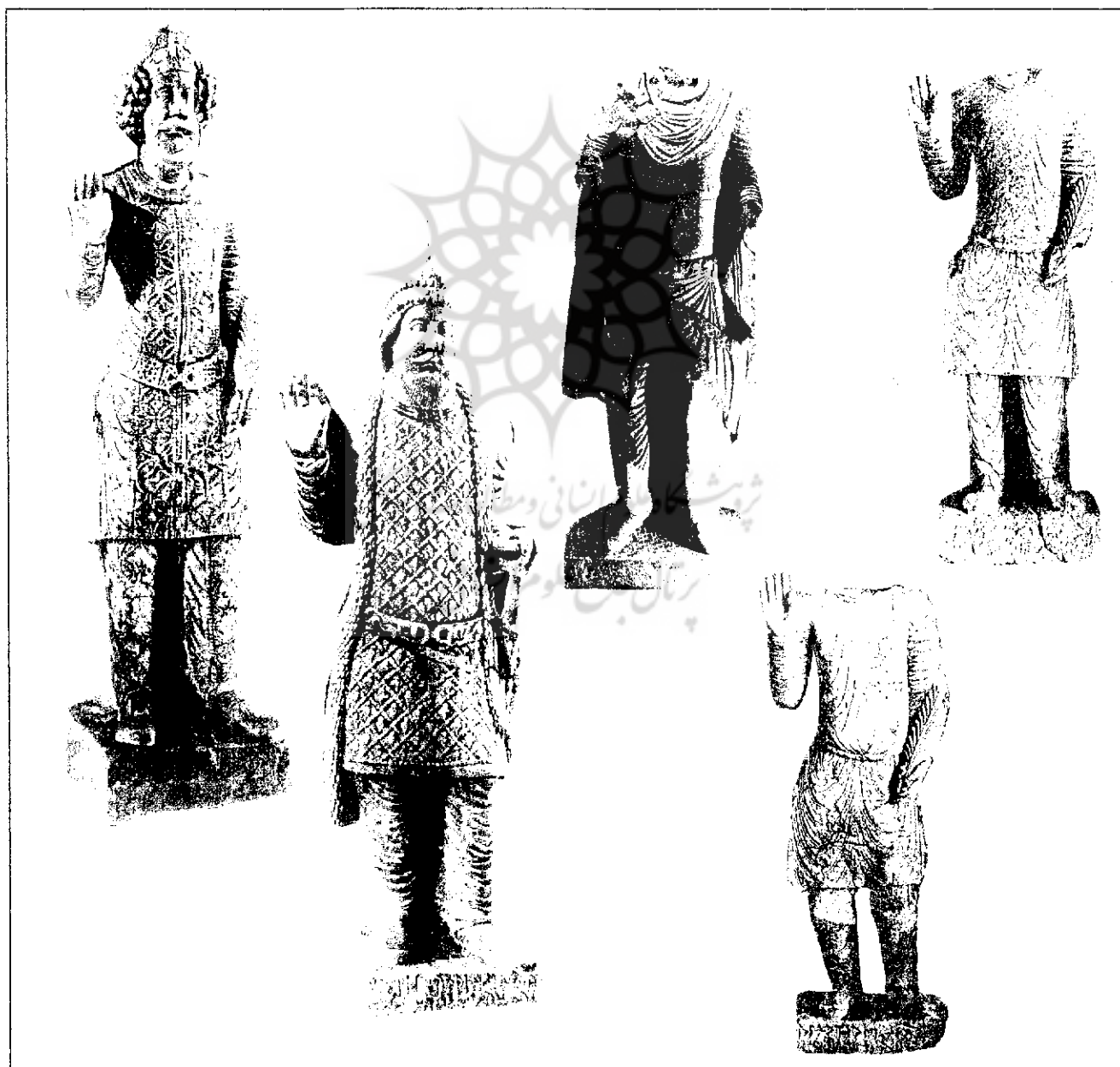
تصویر ۴. قطعات یافت شده از پای پیکره ها در تختگاه برد نشاند



تصویر ۷. دو نیایشگر - تنگ سروک



تصویر ۶. نقوش صخره ای تنگ سروک (صخره بزرگ)



تصویر ۸. پیکره های بدست آمده از شهر هترال (الحضر)